

بررسی روند فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران

دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۳۹۳

محمدحسن فطرس*^۱، فاطمه شهبازی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۴/۰۵

چکیده

در این پژوهش وضعیت فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران، بررسی و نتایج محاسبات دلالت بر آن دارد که در طول برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه، فقر در مناطق روستایی ایران کاهش یافته است. در طول برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه شاهد افزایش فقر هستیم و در نهایت با توجه به برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه می‌توان بیان کرد که پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، فقر در سال ۱۳۹۰ کاهش و در سال‌های پس از آن مجدد با نوسانات ملایمی افزایش یافته است. شاخص جینی محاسبه شده در سال پایانی برنامه اول توسعه، گویای کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طی برنامه پنج ساله دوم توسعه، نابرابری با نوساناتی همراه بوده است. برنامه پنج ساله سوم توسعه بیان‌کننده کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طول برنامه پنج ساله چهارم توسعه نیز نابرابری با نوسانات ملایمی همراه بوده است و در نهایت با توجه به برنامه پنج ساله پنجم توسعه می‌توان بیان کرد که پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، نابرابری درآمدی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰، نسبت به سال ۱۳۸۹ کاهش و در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مجدد افزایش یافته است.

طبقه‌بندی *JEL*: I30, I31, I32, D33

واژه‌های کلیدی: نابرابری درآمدی، ایران.

۱- عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان.

۲- کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله، Fotros@basu.ac.ir

پیشگفتار

افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشوری است. فقر و نابرابری پدیده‌هایی اجتماعی هستند که اگر از نسلی به نسل دیگر تداوم یابند، به‌عنوان مانعی پایدار در مقابل توسعه قرار می‌گیرند. از دهه‌های پایانی قرن بیستم توجه به فقرزدایی مورد توجه قرار گرفت و حمایت‌های جدی سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن باعث شد تا در اکثر کشورهای جهان این موضوع در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد. در همین راستا سازمان ملل دهه ۱۹۹۰ را دهه ریشه‌کنی فقر نام‌گذاری کرد. اعضای اسکاپ (کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه که ایران هم در آن عضویت دارد) متعهد شدند تا اقدامات لازم برای ریشه‌کنی فقر تا سال ۲۰۱۰ را انجام دهند. با این حال اطلاعات موجود بازگویی آن است که به‌رغم این بسیج بین‌المللی نتایج مهمی به‌دست نیامده و فقرای جهان در حال افزایش است. در ایران اگرچه اقدامات مربوط به تامین اجتماعی و حمایت از فقرا و آسیب‌پذیران روستایی سابقه‌ای دست کم ۴۰ ساله دارد، اما دستاوردهای برنامه‌ها از حیث کاهش فقر و آسیب‌پذیری درآمدی در نقاط روستایی کشور درخور توجه نیست. در نتیجه پیش‌شرط اساسی توفیق در برنامه‌های کاهش فقر انجام مطالعات علمی و روش‌مند برای شناخت و تحلیل فقر است. بخش مهمی از فقر و گرسنگان در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که توفیق در برنامه‌های فقرزدایی مستلزم گسترش مطالعات علمی فقر شناسی در نواحی روستایی و کوشش مستمر برای ارتقای کمی و کیفی این مطالعات است (زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ۱۳۸۴). سرعت بسیار زیاد شهری شدن در دوران قبل از انقلاب اسلامی و حتی بعد از آن که شدت بیشتری گرفت. نقش بسیار مهمی در تجزیه و تحلیل فعلی دارد و طی ۴۰ سال گذشته جمعیت روستایی ایران، از ۸۰ درصد به ۴۰ درصد جمعیت کل کشور رسیده است. این مساله تا حدودی ناشی از فقر روستایی و تشدید این مشکل بوده است (خالدی، کوهسار، ۱۳۷۹).

موضوع قابل بحث تصویر وضعیت فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در این راستا سازمان‌دهی مقاله به این صورت خواهد بود. ابتدا پیشینه تحقیق بیان شده، سپس چارچوب نظری بیان می‌شود. در ادامه روش انجام تحقیق ذکر شده و سپس یافته‌های تحقیق مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در پایان نیز بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

پیشینه تحقیق

در این بخش به برخی از مطالعات داخلی و خارجی اشاره‌ای خواهیم داشت.

مطالعات داخلی

صادقی و داودی (۱۳۹۰) در مقاله خود به آثار مخارج دولت بر فقر روستایی در ایران پرداختند. در این مطالعه اثر مخارج دولت بر فقر روستایی با استفاده از روش سیستم معادلات هم‌زمان شامل متغیرهای تاثیرگذار بر فقر روستایی شامل فقر روستایی، بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی، اشتغال در مناطق روستایی، آموزش، بهداشت، برق، تلفن و ... مورد بررسی قرار گرفته شد. نتیجه برآورد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری عمومی در بخش آب، بهداشت و جاده بیشترین آثار را در فقر روستایی داشته‌اند. هزینه‌های دولت در فصول آب، تحقیق و توسعه و آموزش به ارتقاء بیشتر در بهره‌وری یاری رسانده است. هزینه‌های عمومی در توسعه زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و راه و ترابری باعث افزایش بیشتر اشتغال در مناطق روستایی گردیده و هزینه‌های آب، بهداشت و جاده باعث کاهش مهاجرت از شهر به روستاها شده است.

زنوز (۱۳۸۴) نشان داده است که در دوره بعد از انقلاب، نابسامانی‌های اقتصادی ناشی از جنگ و تحریم اقتصادی، رشد سریع جمعیت و تورم بالا، موجب آسیب‌پذیری اقشار کم‌درآمد جامعه شده و نابرابری را افزایش داده است. وی استدلال می‌کند که مبارزه با فقر و نابرابری در گرو دو دسته راهبرد است. راهبرد اول مربوط به بهبود محیط کسب و کار و فراهم ساختن زمینه سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور و اعتلای رشد اقتصادی است و راهبرد دوم مربوط به توانمندسازی فقرا، ایجاد فرصت‌های مناسب و امنیت لازم برای آنها است. زنوز نتیجه می‌گیرد که فقرزدایی در گرو رشد اقتصادی و رشد اقتصادی در گرو حکمرانی مناسب است.

ابونوری و عباسی (۱۳۸۶) با مدنظر قرار دادن دو اثر مستقیم (اثر درآمدی) و غیرمستقیم (توزیعی) رشد اقتصادی، تاثیرپذیری فقر از رشد را در دوره زمانی ۸۱-۱۳۶۱ مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها با در نظر گرفتن دوره‌های مربوط به برنامه‌های توسعه نتیجه گرفتند که در طول این برنامه‌ها (به‌جز برنامه سوم) رشد اقتصادی، سهم ناچیزی در کاهش فقر داشته است.

حسینی و نجفی (۱۳۸۸) به بررسی وضعیت توزیع درآمد کشور طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۶۳ به تفکیک مناطق روستایی و شهری پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که در طول دوره‌ی مورد بررسی، از نابرابری درآمد در کشور کاسته شده است؛ هر چند که این کاهش بسیار کند است. در ضمن نتایج نشان می‌دهد که توزیع درآمد در مناطق روستایی نابرابرتر از مناطق شهری و از نوسان‌های بیشتری برخوردار بوده است.

مطالعات خارجی

راوالپون و چن (۲۰۰۷) در تحقیقی فقر مطلق را با استفاده از سری‌های زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۴ برای یک‌صد کشور در حال توسعه برآورد کردند. برای محاسبه تعداد و درصد فقرا از خط فقر بین‌المللی (درآمد روزانه یک دلار) استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در طول سال‌های مورد بررسی درصد فقرا به‌صورت معناداری کاهش پیدا کرده است؛ ولی در زمینه‌ی کاهش تعداد فقرا دستاورد محسوسی نداشته است. اگرچه در چین وضعیت متفاوت بوده است؛ یعنی تعداد فقرا نیز کاهش پیدا کرده است.

آیدین (۲۰۰۸) در مقاله‌ای فقر نسبی در ترکیه طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۶ را مورد بررسی قرار داده است. خط فقر نسبی به‌صورت ۵۰ درصد میانگین مخارج کل تعریف شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طی این دوره فقر نسبی حدود ۵ درصد کاهش پیدا کرده و در این مدت فقر نسبی مناطق روستایی دو برابر مناطق شهری بوده است.

داوود (۲۰۰۹) در تحقیقی فقر مطلق در پاکستان را مورد بررسی قرار داد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که شاخص سرشمار فقر، در فاصله دو دوره زمانی، ۵.۷۴ درصد کاهش پیدا کرده است. در این دوره فقر مطلق در مناطق روستایی ۵.۶۷ درصد و در مناطق شهری ۴.۴۸ درصد کاهش پیدا کرده است.

چارچوب نظری

مروری بر دیدگاه‌های مختلف در تعریف فقر

تعریف بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ در تعریفی فقر را به این صورت تعریف نموده است: ناتوانی در دستیابی به استاندارد زندگی حداقل. این استاندارد با محاسبه نیازهای مصرفی پایه یا درآمد لازم برای تامین این نیازها سنجیده می‌شود. به‌موجب این تعریف، فقر به معنای ناتوانی افراد خانواده‌ها یا کل جامعه در تحصیل منابع کافی برای ارضای نیازهای اساسی خویش است (ارضوم چیلر، نسرین، ۱۳۸۴).

تعریف آدام اسمیت: پدر اقتصاد جدید نیز در تعریف فقر می‌گوید: فقر به فقدان نیازهاست و این نیازها به‌وسیله عادت‌ها و رسوم جامعه تعیین می‌شود. در واقع وی نیازها را به دودسته تقسیم نموده است: نیازهای اساسی که برای ادامه حیات لازم است و شامل آن چیزهایی که عادات و رسوم هر کشور فقدان آن را برای مردمان آبرومند نامناسب می‌داند و نیازهای غیر فیزیولوژیک و غیراساسی (حبیب پور، کرم، ۱۳۷۵).

تعریف تانسند: تانسند در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اعتقاد داشت که افراد، خانوارها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند (ارضروم چیلر، نسرین، ۱۳۸۴).
تعریف بانک توسعه آسیا: فقر محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی است که هر فرد مستحق آنها هست (ارضروم چیلر، نسرین، ۱۳۸۴)

شاخص‌های فقر

برای درک بهتر اندازه‌ی فقر به برخی شاخص‌های فقر اشاره‌ای خواهیم داشت.

۱- شاخص نسبت سرشمار (نرخ فقر)

این شاخص به صورت نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه تعریف شده است.

$$H=q/n$$

تعداد کل افراد جامعه = n تعداد افراد فقیر = q

این شاخص نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اندازه این شاخص بین صفر حالتی که هیچ فقری در جامعه وجود نداشته باشد و یک (حالتی که کلیه افراد در جامعه فقیر باشند یعنی درآمد کلیه افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد) تغییر می‌کند. اشکال عمده این شاخص این است که افزایش یا کاهش میزان درآمد افراد فقیر و غیر فقیر جامعه مشروط بر آن که موجب جابجایی افراد حول خط فقر نشود. هیچ گونه تاثیری در اندازه شاخص نسبت افراد فقیر ندارد. در واقع اشکال این شاخص آن است که نسبت به انتقال درآمد بین فقیرها و حتی بین فقیرها و غیر فقیرها حساس نیست و علاوه بر آن، این شاخص نسبت به کاهش درآمد فقرا نیز حساس نیست. اشکالات فوق، کاربرد این شاخص را محدود می‌نماید (کاشی، ۱۳۸۴).

۲- شاخص شکاف فقر

این شاخص بر فاصله کل فقرا نسبت به خط فقر مبتنی است که نشان‌دهنده عمق فقر است. به عبارتی این شاخص میانگین شکاف فقر در جامعه است که در آن شکاف فقر برای غیر فقیر صفر محسوب می‌گردد. شاخص شکاف فقر، مقدار درآمد لازم برای انتقال فقرا به بالای خط فقر است.

$$p_{gap} = 1/n \sum_{i=1}^q (z - x_i)/z$$

تعداد افراد جامعه = n تعداد افراد فقیر = q

خط فقر = Z درآمد i امین فرد فقیر است = x_i

شاخص فاستر، گریوتوربک (Foster-Greer-Thorbecke)

یکی از شاخص‌های فقر که در سال‌های اخیر کاربرد زیادی پیدا کرده است، توسط فاستر، گریوتوربک پیشنهاد شده است. این سه محقق روش خود را برای ارائه شاخص فقر بر این باور می‌گذارند که تجزیه‌پذیری از ویژگی‌های مهم یک شاخص فقر مطلوب است. این گروه از شاخص‌ها که با علامت (FGT) نمایش داده می‌شوند، بیان‌گر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. فاستر و همکاران وی شاخص فقر خود را به صورت زیر ارائه می‌دهند:

$$FGT_{\alpha} = P_{\alpha} = 1/n \sum_{i=1}^q (z - x_i)^{\alpha} / z^{\alpha}$$

اگر باشد این شاخص به شاخص سرشمار و اگر برابر با یک باشد، به شاخص شکاف فقر تبدیل می‌شود. اگر برابر با ۲ باشد، یعنی این شاخص حساسیت بیشتری به عمق فقر نشان می‌دهد و به شاخص FGT تبدیل می‌گردد (کاشی، ۱۳۸۴).

توزیع درآمد

توصیف درجه نابرابری موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد می‌گویند. امروزه اهمیت نقش دولت در مساله توزیع درآمد به حدی است که تقریباً تمامی اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های رشد اجتماعی و وضعیت رفاه در یک جامعه، تعادل و توازن توزیع درآمد یا ثروت در آن جامعه است؛ بنابراین بررسی توزیع درآمد و نابرابری آن، مقایسه سهم گروه‌های مختلف جمعیت، در درآمد ملی است. توزیع درآمد بر دو نوع است: توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (شامل زمین، نیروی کار و سرمایه) و توزیع درآمد بین گروه‌های مختلف درآمدی (مانند دهک‌های مختلف).

اصول دالتون

بررسی توزیع درآمد با استفاده از شاخص‌های مختلفی امکان‌پذیر است، لیکن هیچ شاخص منحصره‌فردی وجود ندارد که از همه نظر بهتر از سایر شاخص‌های نابرابری باشد. زیرا برخی از ضرایب و شاخص‌های نابرابری درآمد برای نشان دادن یک جنبه و برخی دیگر برای بیان و تفسیر جنبه‌های دیگر مناسب و مطلوب‌اند. دالتون (۱۹۳۰) اصولی را برای یک شاخص نابرابری توزیع درآمد عنوان می‌کند. این اصول عبارت‌اند از:

اصل انتقال^۱، یعنی اگر انتقال درآمدی از ثروتمند به فقیر صورت گیرد، شاخص نابرابری کاهش یابد. در ادبیات توزیع درآمد گاهی این مساله با اصل «پیگو - دالتون» یاد می‌شود. اصل اضافه شدن نسبی به درآمدها^۲، یعنی اگر درآمد همه افراد به یک نسبت افزایش و یا کاهش یابد، شاخص نابرابری نباید تغییری را نشان دهد. اصل اضافه شدن مساوی به درآمدها، یعنی اگر درآمد همه افراد به یک‌میزان معین افزایش یابد؛ شاخص کاهش یافته و به هنگام کاهش مساوی از درآمد همه افراد، شاخص افزایش یابد. اصل اضافه شدن نسبی افراد، یعنی اگر تعداد افراد دریافت‌کننده هر سطحی از درآمد به یک نسبت افزایش یابد، شاخص نباید تغییری را نشان دهد. البته بعد از دالتون ویژگی‌های دیگری نیز به چهار خصیصه فوق اضافه شده‌اند که مهم‌ترین آنها را می‌توان این‌گونه یاد نمود. اصل تقارن، یعنی شاخص نابرابری باید فقط به توزیع فراوانی درآمدها بستگی داشته باشد و اگر تعداد افراد جامعه با ویژگی‌های مختلف، جایگاه درآمدی خود را تغییر دهند، شاخص نابرابری تغییر ننماید. اصل پذیرش حدود نرمال، یعنی شاخص نابرابری را بتوان بین (۱ و ۰) محدود نمود. به عبارت دیگر اگر درآمد جامعه به‌طور مساوی بین کلیه افراد آن جامعه توزیع شده باشد، شاخص هیچ‌گونه نابرابری را نشان نداده و صفر باشد؛ درحالی‌که اگر تمام درآمد جامعه تنها به یکی از افراد تعلق داشته و دیگران هیچ‌گونه درآمدی نداشته باشند، رقم شاخص یک باشد. اصل قابلیت محاسبه، یعنی شاخص نابرابری را بتوان با اطلاعات آماری موجود با سهولت برآورد نمود. این اصل از جنبه عملی و کاربردی اهمیت دارد. برخی از شاخص‌ها علی‌رغم برتری نظری، صرفاً به دلیل عدم امکان محاسبه کارایی خود را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر، اگر دو شاخص را مورد مقایسه قرار دهیم که دارای ویژگی‌های مشترک بوده ولی یک شاخص را به سهولت بتوان محاسبه نمود؛ درحالی‌که محاسبه دیگری با اشکال همراه باشد، در این حالت شاخص اول را برتر می‌دانند^۳. اصل استقلال، به این معناست که شاخص نابرابری باید نسبت به واحد اندازه‌گیری بی‌تفاوت باشد. به‌طور مثال شاخص نابرابری باید به هنگام تغییر واحد پول تغییر نکند^۴. اصل تجزیه‌پذیری، مطابق این اصل هرگاه جامعه مورد بررسی را بتوان به چند زیرگروه تقسیم کرد؛ در این صورت معیار نابرابری کل جامعه به‌صورت حاصل جمع نابرابری درآمد بین زیرگروه‌ها و

1 Principle of Transfers

2 Principle of Proportional Addition to Income

۳ بختیاری، صادق (۱۳۸۲)

۴ حسینی، سید شمس‌الدین (۱۳۸۴)

متوسط وزنی نابرابری درآمد درون زیرگروه‌ها تعریف می‌شود. ضریب وزنی زیرگروه‌ها می‌تواند سهم جمعیتی و یا سهم درآمدی باشد^۱.

روش‌های ارزیابی تغییرات توزیع درآمد

در این قسمت به برخی شاخص‌های مهم ارزیابی تغییرات توزیع درآمد اشاره‌ای خواهیم داشت. شاخص جینی^۲

یکی از متداول‌ترین شاخص‌های سنجش نابرابری درآمد جامعه، ضریب جینی است. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک که در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است. شاخص جینی در سال ۱۹۱۲ به وسیله «کورادو جینی» و در ارتباط با میانگین نسبی اختلاف‌های درآمدی این‌گونه تعریف شد:

$$G = \frac{\Delta}{2\mu} \quad \Delta = \frac{1}{n(n-1)} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |x_i - x_j|$$

μ میانگین درآمد جامعه، X درآمد خانوار و n تعداد کل خانوارها است. یکی از مشخصه‌های مهم ضریب جینی این است که به تغییرات میانی درآمد حساس‌تر است، زیرا از فرمول فوق مشاهده می‌شود که به درآمد تجمعی وزنی معادل سهم نسبی هر گروه درآمدی داده شده است و چون بیشتر جمعیت در درآمدهای میانی متمرکز شده‌اند، بنابراین ضریب جینی نسبت به تغییرات درآمد در میانه حساس‌تر از دو ناحیه انتهایی است^۳. بنابراین هنگامی که ارزیابی نابرابری در سایر طبقات جامعه نیز مدنظر باشد، استفاده از شاخص‌های دیگر در کنار شاخص جینی ضروری می‌نماید. ضریب جینی از منحنی لورنز استخراج می‌شود. این منحنی سهم درصدهای مختلف جمعیت را از درآمد نشان می‌دهد. مهم‌ترین ضعف ضریب جینی این است که بر اساس آن نمی‌توان میزان نابرابری جوامع مختلف را با هم مقایسه کرد؛ چرا که ممکن است مقدار ضریب جینی دو جامعه یکسان باشد؛ اما الگوی نابرابری دو جامعه (چولگی منحنی لورنز) کاملاً با هم متفاوت باشد. در این پژوهش شاخص جینی مبنای اندازه‌گیری نابرابری درآمد در نظر گرفته شده است، زیرا نسبت به سایر شاخص‌های توزیع درآمد از دقت بالاتری برخوردار است. از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اشکالات وارد شده به ضریب جینی آن است که اصل انتقال نزولی در آن صدق نمی‌کند. به عبارت دیگر اندازه این شاخص به درآمد

۱ خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۲)

2 Gini Coefficient

۳ حسینی، سید شمس‌الدین (۱۳۸۶)

افرادی که انتقال درآمدی بین آنان انجام می‌شود، بستگی ندارد. بدین معنی که حساسیت شاخص نسبت به انتقال درآمدی، همگام با افزایش درآمد افراد درگیر انتقال افزایش یافته تا به حداکثر خود در نقطه نمای الگوی توزیع می‌رسد و سپس با افزایش مجدد درآمدها، به تدریج از مقدار آن کاسته می‌شود. میزان حساسیت نسبی ضریب جینی به انتقالات درآمدی بین افراد جامعه، بستگی به تعداد افرادی دارد که در رتبه‌بندی درآمدها، بین افراد درگیر انتقال قرار می‌گیرند. پس اگر مقدار معینی درآمد بین دو فرد پردرآمد و همین مبلغ بین دو فرد کم‌درآمد انتقال یابد (به شرط آن که تعداد افراد رتبه‌بندی شده بین دو فرد پردرآمد و دو فرد کم‌درآمد یکسان باشد)، میزان تغییر در ضریب جینی یک اندازه است. در حالی که با پذیرش اصل حساسیت نسبی، انتظار آن است که هر چه افراد درگیر انتقال کم‌درآمدتر باشند، تاثیر انتقال درآمدی بر اندازه شاخص نابرابری بیشتر می‌شود و برعکس. همین ویژگی یعنی دادن اهمیت یکسان به انتقالات درآمدی بین افراد با درآمدهای متفاوت با فرض ثابت ماندن سایر شرایط موجب می‌شود که استفاده از ضریب جینی برای نشان دادن نابرابری درآمد توزیع‌های مختلف و رتبه‌بندی آنها (هنگامی که منحنی لورنز آنها همدیگر را قطع می‌کنند) دچار اشکال و ابهام شود. به عبارت ساده‌تر شاخص ضریب جینی به انتقال درآمد بین ثروتمندان، انتقال درآمد بین فقیران و انتقال درآمد از ثروتمندان به فقیران وزن یکسانی می‌دهد که همان‌طور که ذکر شد این موضوع انتقادی بر شاخص ضریب جینی است.

شاخص اتکینسون

اتکینسون (۱۹۷۰) سعی نمود تا با استفاده از قضاوت‌های ارزشی یک معیار دستوری برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد ارائه داده و به نحوی مسائل مربوط به رفاه اجتماعی را در نابرابری توزیع درآمد وارد نماید. وی رفاه اجتماعی را از حاصل جمع مطلوبیت‌های تمام افراد جامعه به دست می‌آورد و معتقد است که مطلوبیت افراد به دو عامل درآمد و پرهیز جامعه از نابرابری بستگی دارد. اتکینسون به رابطه بین کارایی و برابری تاکید می‌کند و معتقد است شاخص نابرابری باید به نحوی طراحی شود که بتوان تشخیص داد جامعه برای کاهش نابرابری به یک میزان معین حاضر است چه مقدار از درآمد و تولید جاری چشم‌پوشی نماید. شایان ذکر است شکل تابع رفاه اجتماعی در حوزه اقتصاد سیاسی مشخص می‌شود. اگر فرض نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد صادق باشد، در نتیجه یک توزیع مجدد درآمد از ثروتمندان به فقرا، رفاه جامعه را افزایش می‌دهد^۱. اتکینسون معتقد بود به‌واسطه این شاخص قضاوت اجتماعی موردنظر رالز در اندازه‌گیری نابرابری درآمد لحاظ می‌شود. وی برای آنکه

شاخص نابرابری $I_A(\frac{\xi(F)}{\mu(F)}F) = 1 -$ مستقل از مقیاس درآمد باشد، ξ را به میانگین تعمیم یافته بدل نمود و شاخص فوق را به صورت زیر تصریح نمود.

$$I = 1 - \frac{1}{\mu(F)} \int [y^{1-\epsilon} dF(y)]^{\frac{1}{1-\epsilon}}$$

و یا

$$I = 1 - \left[\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left(\frac{y_i}{\bar{y}} \right)^{1-\epsilon} \right]^{\frac{1}{1-\epsilon}}$$

در رابطه فوق ϵ پارامتری است که میزان پرهیز از نابرابری را به طور نسبی بیان می کند و مقادیر غیر منفی را اختیار می کند. در واقع حساسیت شاخص اتکینسون نسبت به ارزیابی توزیع در طبقات مختلف جامعه به واسطه اختصاص وزنهای متفاوت به این پارامتر امکان پذیر می گردد. y درآمد شخصی و $\mu(f)$ میانگین توزیع درآمد جامعه است. برای محاسبه شاخص نابرابری اتکینسون مقدار ϵ باید مشخص شود که البته از نقطه نظر اجتماع کار ساده ای نیست. به همین خاطر محققین شاخص اتکینسون را معمولاً با مقادیر مختلف ϵ محاسبه می نمایند. شاخص اتکینسون به مقدار ϵ به شدت حساس است. مزیت شاخص اتکینسون این است که به هنگام تقاطع منحنی های لورنز (الگوهای مختلف توزیع نابرابری) با قطعیت می توان نسبت به نابرابری در این دو جامعه قضاوت نمود. دلیل این امر این است که با انتخاب ϵ مشخص می کنیم که آیا نسبت به نابرابری در قسمت بالای توزیع درآمد نگران هستیم یا نسبت به نابرابری در بخش پایین آن.

مروری اجمالی بر برنامه های توسعه پنج ساله:

برنامه توسعه پنج ساله اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸): با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ و ضرورت بازسازی اقتصاد کشور و بهبود وضع معیشتی مردم، اولین برنامه پنج ساله توسعه کشور در سال ۱۳۶۸ با انتخاب راهبرد "آزادسازی اقتصادی" آغاز و به اجرا درآمد. برنامه اول توسعه به "برنامه سازندگی" نیز شهرت دارد. هدف اصلی این برنامه آن بود که با سرمایه گذاری دولت در زمینه های بازسازی خسارت های جنگ تحمیلی و بهره برداری حداکثری از ظرفیت های موجود، روندهای منفی اقتصادی را به نفع ایجاد رشد اقتصادی در کشور تغییر داده و بستر تداوم رشد در آینده را فراهم کند. لذا در این برنامه رشد اقتصادی از اساسی ترین نیازهای توسعه ملی به شمار آمد.

برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴): "ثبات اقتصادی" مرکز ثقل برنامه دوم توسعه بوده است. استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه تثبیت دستاوردهای برنامه اول توسعه، ایجاد ثبات در روندهای اقتصادی کشور و کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه ذکر شده است. لذا در برنامه دوم نیز رشد و توسعه اقتصادی از اصلی ترین اهداف بود و تاکید خاصی بر پایداری آن داشت.

این برنامه از جهت ساختار و ماهیت تفاوتی با برنامه اول نداشت و رویکرد آن آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی بود.

برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹): جهت گیری اصلی این برنامه، اصلاحات ساختاری و نهادی به منظور آزادسازی و خصوصی سازی بود. لذا این برنامه به "برنامه اصلاح ساختاری" معروف است. برنامه سوم با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد "توسعه اقتصاد رقابتی" از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل گیری نظام جامع تامین اجتماعی و اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای فراهم شدن زمینه های مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی گری دولت طراحی و تدوین شد.

برنامه پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴): در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تاکید بر ادامه سیاست های اصلاح ساختاری برنامه سوم توسعه، پایه های جدید برای تغییر در روند توسعه کشور طراحی شد. برنامه چهارم توسعه در قالب سند چشم انداز کشور در افق ۱۴۰۴ و با جهت گیری کلی رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی شکل گرفت. هدف از این نوع برنامه ریزی، نگاه فعال و آینده ساز به مسائل بود که لازمه این نوع نگاه، حرکت بر پایه مدیریت چشم انداز است.

برنامه پنج ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰): برنامه پنجم توسعه در چارچوب سند چشم انداز بیست ساله و با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت در سال ۱۳۹۰ آغاز شد. تحقق رشد پرشتاب اقتصادی به میزان ۸ درصد در طول برنامه، بهبود توزیع درآمد و کاهش ضریب جینی به ۳۵ درصد در پایان برنامه، هدفمند کردن یارانه ها، مهار تورم و کاهش نرخ بیکاری به میزان ۷ درصد در پایان برنامه از جمله مهم ترین موضوع های قانون برنامه پنجم در بخش اقتصاد است.

داده ها و روش تخمین

داده های مورد استفاده در این پژوهش داده های خام طرح آمارگیری از ویژگی های اقتصادی و اجتماعی خانوار است که توسط مرکز آمار ایران طی سال های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳ بر پایه اطلاعات روستایی جمع آوری شده است. برای پالایش داده های اولیه در نرم افزار access از نرم افزار stata استفاده شده است. بخش هزینه ی پرسشنامه بودجه ی خانوار شامل هزینه های خوراکی و غیرخوراکی می شود. در ایران اطلاعات مربوط به درآمد افراد دچار کم گویی شده است که این مساله به صورت اختلاف معنی دار بین متوسط درآمد و هزینه ی خانوار منعکس می شود. به همین سبب به دلیل کیفیت بهتر داده های هزینه نسبت به داده های درآمد و برای واقعی کردن تحلیل ها و روشن شدن مسیر تغییرات نابرابری و فقر از داده های هزینه به جای داده های درآمد استفاده شده است.

محاسبه‌ی خط و شاخص‌های فقر

در این مطالعه به منظور محاسبه‌ی خط فقر از رابطه‌ی زیر استفاده می‌کنیم:

ضریب انگل \times مقیاس معادل \times متوسط ارزش سبد غذا در استان = خط فقر مطلق

محاسبه‌ی ارزش سبد غذایی

برای مشخص نمودن نیاز به انرژی غذایی، متخصصان تغذیه نیاز به انرژی افراد مختلف را در حالت استراحت و انجام فعالیت‌های مختلف برآورد می‌نمایند. این نیاز از سوی سازمان بهداشت جهانی به صورت حداقل ۲۰۰۰ کیلوکالری در روز تعیین گردیده است. البته لازم به ذکر است که این سبد غذایی تعریف شده مطابق عادات غذایی جامعه‌ی مورد مطالعه تعریف می‌شود. دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت سبد مطلوب غذایی گروه‌های مختلف سنی را بر اساس مواد غذایی متداول در کشور اعلام نموده است. سبد غذایی که برای محاسبه‌ی خط فقر از آن استفاده می‌کنیم، بر مبنای ۲۰۸۰ کیلوکالری در روز تعریف شده است. برای تعیین قیمت سبد غذایی در استان‌های کشور، متوسط قیمتی که در هر استان برای تهیه این سبد غذایی توسط خانوارهای نمونه اعلام شده بود، مبنای محاسبه‌ی قیمت کالاها قرار گرفته است. ذکر این نکته ضروری است که تخمین خط فقر باید با لحاظ اثر یارانه‌های دولتی صورت پذیرد. چرا که همه آحاد مردم ایران اکثر کالاها را ذکر شده در سبد غذا را از طریق کالا برگ تهیه می‌کردند. اگرچه متوسط یارانه پرداختی به هر نفر در آمارهای ملی موجود است به علت عدم دسترسی به آمارهای رسمی در مورد قیمت کالاها موجود در سبد غذایی ذکر شده در بازار آزاد و همچنین قیمت کالاها یارانه‌ای، عملاً قادر به تفکیک قیمت کالاها در دسترس افراد کم‌درآمد جامعه نبودیم. بنابراین ناگزیر از متوسط قیمت خرید هر کالا که در نمونه توسط خانوارها گزارش شده است استفاده می‌کنیم (قائدی و راغفر، ۱۳۹۰).

ضریب انگل

محاسبه ضریب انگل با در نظر گرفتن متوسط نسبت هزینه غذا به کل هزینه برای کلیه طبقات درآمدی مورد استفاده است، زیرا طبق قانون انگل طبقات بالای درآمدی در مقایسه با خانوارهای کم‌درآمد، نسبت کمتری از کل مخارجشان را صرف غذا می‌کنند. در نتیجه در نظر گرفتن آنها در محاسبه‌ی ضریب انگل موجب تخمین غیر واقعی خط فقر می‌شود. برای رفع این نقیصه پیشنهاد می‌شود که نسبت غذا به کل مخارج برای گروه‌های فقیر تخمین زده شود. در این روش که مستلزم شناسایی فقرا پیش از محاسبه‌ی خط فقر است. عموماً "دهک‌های پایین درآمدی (اول و دوم) به عنوان گروه‌های فقیر در نظر گرفته می‌شوند، اما به علت آنکه در ایران الگوی توزیع درآمد به گونه‌ای است که دو دهک پایین درآمدی درصد بالایی از جمعیت را در خود جای داده‌اند، استفاده از دهک‌های پایین درآمدی می‌تواند منجر به تخمین غیر واقعی خط فقر شود. برای رفع این مساله

فرض کرده‌ایم که جمعیت فقر بیش از ۴۰٪ کل جمعیت نیست. در نتیجه برای محاسبه‌ی متوسط نسبت هزینه غذا به کل هزینه‌ها از اطلاعات مربوط به ۴۰٪ خانوارها که دارای پایین‌ترین سطح هزینه هستند، استفاده شده است. طبق این روش، متوسط هزینه‌ی خوراکی به کل هزینه‌ها محاسبه می‌شود، سپس معکوس این عدد در خط فقر غذایی ضرب می‌شود تا به خط فقر کل دست یابیم (قائدی و راغفر، ۱۳۹۰).

محاسبه مقیاس معادل

نکته‌ی دیگری که در تعمیم خط فقر مربوط به خانوارها که تعداد اعضای آنها متفاوت است، مطرح می‌شود؛ بحث مقیاس معادل است. هنگامی که بخواهیم خط فقر خانوار یک‌نفره را به خانوارهای دونفره، سه‌نفره یا بیشتر تعمیم دهیم، نکته حائز اهمیت این است که بدانیم به ازای اضافه شدن هر فرد اضافی به خانوار چه میزان به مخارج خانوار اضافه می‌شود. از آنجایی که خط فقر ما برای یک بزرگسال (معادل پولی ۲۰۸۰ کیلوکالری در روز) در استان‌های کشور محاسبه شده است. بنابراین می‌بایست برای به دست آوردن خط فقر برای بعدهای دیگر مثلاً خانوارهای دونفره، سه‌نفره و بیشتر خط فقر یک‌نفره را در مقیاس معادل مناسب ضرب کنیم تا امکان مقایسه خانوارها با ابعاد مختلف فراهم شود. برای تعمیم خط فقر یک‌نفره به خط فقر برای بعدهای مختلف فرمول‌های متفاوتی بر حسب تعداد کودکان و بزرگسالان در هر خانوار در مطالعات مختلف استفاده شده است. برای انتخاب مقیاس معادل مناسب با نمونه بنا به تعریف مقیاس معادل، ابتدا متوسط هزینه‌ی خانوار را در هر بعد به دست می‌آوریم. سپس این متوسط را بر متوسط هزینه خانوارهای یک‌نفره تقسیم می‌کنیم. در نهایت عدد به دست آمده را در بعد خانوار ضرب می‌کنیم. با ضرب هر مقیاس معادل در خط فقر یک‌نفره ضربدر ضریب انگل، به خط فقر جدیدی می‌رسیم. در این مطالعه هزینه در سطح خانوار تعریف نمی‌شود و از هزینه سرانه معادل خانوار استفاده می‌شود. انتخاب خانوار با چند مساله همراه است. اول اینکه احتساب واحد خانوار به‌عنوان مبنای مطالعات، مشکلاتی را برای اعتبار نسل‌ها به وجود می‌آورد. بنا به نظر دیتون (۱۹۹۷) تحولاتی مانند ازدواج، طلاق، ازدواج مجدد، سالمندی، مرگ و میر و مهاجرت می‌توانند ترکیب خانوار و در نتیجه ترکیب نسل‌ها را دستخوش تغییرات کنند. به‌عنوان مثال ممکن است سرپرست خانواری به علت کهولت سن با فرزندانش زندگی کند که این امر باعث می‌شود آن خانوار سالمند در سال بعد یک خانوار جوان محسوب شود. دلیل دوم این است که با احتساب خانوار به‌عنوان واحد مورد بررسی، خانوارها بر اساس سن سرپرست، در نسل‌های خاصی قرار می‌گیرند. در این حالت عملاً یک سن خاص (سن سرپرست) به تمام اعضای خانوار نسبت داده می‌شود. این در حالی است که رفتار خانوار متأثر از رفتار اعضای خانوار با سنین مختلف است. لذا استفاده از داده‌های مبتنی بر فرد قابل اعتمادتر و مناسب‌تر است؛ اما مساله مهم در اینجا این است

که در مجموعه اطلاعات بودجه خانوار داده‌های هزینه در سطح خانوار گزارش می‌شوند. لذا باید هزینه خانوار به نوعی به فرد نسبت داده شود (قائدی و راغفر، ۱۳۹۰). برای تخمین هزینه سرانه معادل خانوار، می‌توان از شاخص‌های مقیاس معادل^۱ استفاده کرد. از سوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۲ روش‌های متداولی برای لحاظ نمودن هزینه‌های معادل در مطالعات پیشنهاد شده است. در این پژوهش از روش ارائه شده در هاتون و خندکر (۲۰۰۹) استفاده شده است که در آن N_a تعداد بزرگسالان و N_c تعداد بچه‌ها است.

$$AE = (N_a + .4N_c)^{.85}$$

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به منظور آگاهی از وضعیت فقر در مناطق روستایی ایران شاخص‌های فقر و شاخص جینی به کمک نرم‌افزار استتا محاسبه و نتایج تخمین در جداول آورده شده است. با توجه به جدول ۲ طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۹۳ شاخص سرشمار فقر (نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه) در مناطق روستایی با نوسانات زیادی همراه بوده است. بیشترین میزان افراد فقیر مربوط به سال ۱۳۶۵ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۴ است. در طول برنامه توسعه پنج‌ساله اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) بیشترین و کمترین میزان افراد فقیر به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ است. به‌طور کلی نتایج سال پایانی برنامه اول توسعه (۱۳۷۲) گویای کاهش فقر در مناطق روستایی ایران است. در طی برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) بیشترین میزان افراد فقیر مربوط به سال ۱۳۷۵ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۷۸ است و در طی این برنامه نیز، شاهد کاهش فقر در مناطق روستایی ایران هستیم. برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) نیز بیان‌کننده کاهش فقر در مناطق روستایی ایران است. در طول برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) شاهد افزایش فقر هستیم و در نهایت با توجه به برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) می‌توان بیان کرد که پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی فقر در سال ۱۳۹۰ کاهش و در سال‌های پس از آن مجدداً با نوسانات ملایمی افزایش یافته است.

شاخص جینی محاسبه شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که بالاترین میزان نابرابری در مناطق روستایی به سال ۱۳۶۵ مربوط می‌شود. کمترین میزان نابرابری به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اختصاص دارد. در طول برنامه توسعه پنج‌ساله اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) بیشترین و کمترین میزان نابرابری به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۶۸ است. به‌طور کلی نتایج سال پایانی برنامه اول توسعه (۱۳۷۲) گویای کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طی برنامه پنج‌ساله دوم توسعه

1Equivalence Scale Indices

2Organization for Economic Co-operation and Development(OECD)

(۱۳۷۴-۱۳۷۸) نابرابری با نوساناتی همراه بوده است. برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) بیان‌کننده کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طول برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز نابرابری با نوسانات ملایمی همراه بوده است و در نهایت با توجه به برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) می‌توان بیان کرد که پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، نابرابری درآمدی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰، نسبت به سال ۱۳۸۹ کاهش و در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مجدداً افزایش یافته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از داده‌های خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار وضعیت فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۳ بررسی و مقایسه شده است. نتایج محاسبات دلالت بر آن دارد که میزان فقر در مناطق روستایی ایران بالا و با نوساناتی همراه بوده است.

برنامه‌های اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) توسعه گویای کاهش فقر در مناطق روستایی ایران است. در طول برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) شاهد افزایش فقر هستیم و در نهایت با توجه به برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) می‌توان بیان کرد که پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، فقر در سال ۱۳۹۰ کاهش و در سال‌های پس از آن مجدداً با نوسانات ملایمی افزایش یافته است.

شاخص جینی محاسبه شده در این پژوهش نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۳ بالاترین میزان نابرابری در مناطق روستایی ایران به سال ۱۳۶۵ مربوط می‌شود و کمترین میزان نابرابری به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اختصاص دارد. نتایج سال پایانی برنامه اول توسعه (۱۳۷۲) گویای کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طی برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) نابرابری با نوساناتی همراه بوده است. برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) بیان‌کننده کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طول برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز نابرابری با نوسانات ملایمی همراه بوده است و در نهایت با توجه به برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) می‌توان بیان کرد پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، نابرابری درآمدی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰، نسبت به سال ۱۳۸۹، کاهش و در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مجدداً افزایش یافته است.

با توجه به مباحث مطرح شده در این پژوهش پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌گردد.

۱- تامین حداقل معیشت گروه‌های کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، با تاکید بر بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت

غذایی، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم‌درآمد، گسترش حمایت‌های اجتماعی (تامین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان با رعایت ملاحظات عدالت جنسیتی).

۲- توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار برای اشتغال و کسب درآمد.
۳- ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‌های مالی از طریق بازارهای مناسب تدوین نظام جامع اطلاعاتی یکپارچه درآمد خانوارها ایجاد نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمدها.

فهرست منابع:

۱. ابونوری، اسماعیل. خوشکار، آرش (۱۳۸۶)، اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷، بهمن و اسفند، صفحات ۹۵-۶۵.
۲. اسلامی، سیف‌ا... (۱۳۷۹)، ارزیابی یارانه و خط فقر، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال هفتم، شماره ۴.
۳. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱). درآمدی بر شناخت شاخصه‌ای نابرابری درآمد و فقر. تهران. مرکز آمار ایران.
۴. پیرایی، خسرو. شهسوار، محمدرضا (۱۳۸۷). ارزیابی یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران، نامه مفید، شماره چهاردهم.
۵. باباپور، میترا (۱۳۹۱)، فقر و نابرابری و تحرک درآمدی: موردی از رویکرد شبه پانل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
۶. خداداد کاشی، فرهاد و فریده باقری (۱۳۸۴)، نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۲۱۱۸.
۷. پیرائی، خسرو و بهروز سیف (۱۳۸۹)، تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پژوهش‌نامه مالیات، دوره‌ی جدید، شماره‌ی نهم، مسلسل ۵۷، پاییز و زمستان.
۸. پیرائی، خسرو. شهسوار، محمدرضا (۱۳۸۷). ارزیابی یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران، نامه مفید، شماره چهاردهم.
۹. تودارو، مایکل (۱۳۸۶) توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ چاپ پانزدهم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات کوهسار.
۱۰. راغفر، حسین (۱۳۸۴)، فقر و ساختار قدرت در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۲۸۸-۲۴۹.
۱۱. سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، توسعه به‌مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات دستان، چاپ اول
۱۲. غروی نخجوانی، سید احمد (۱۳۸۴)، فقر در خانوارهای ایرانی (با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار ایران)، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، سال چهارم، شماره ۱۷.

۱۳. کلانتری، عباس، عباس رحیمی (۱۳۸۵)، بررسی اقتصادی یارانه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ سوم.
۱۴. کاشی خداداد، فرهاد، خلیل حیدری و فریده باقری (۱۳۸۴)، برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۱۶۴.
۱۵. کانبور، راوی و این اسکوایر (۱۳۸۲)، تطور تفکر درباره فقر: کشف کنش‌های متقابل، در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم- انداز، ویراستار جerald میر و جوزف استیگلیتز، مترجم غلام‌رضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۱۶. گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱)، ماهیت فقر عمومی، ترجمه دکتر سید محمدحسین عادل، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۲۷۰-۲۲۳.
۱۷. محمودی، وحید (۱۳۸۶)، اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران، انتشارات سمت، تهران.
۱۸. مرکز آمار ایران. داده‌های خام طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی. سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۱.

19. Bourguignon, F. and Fields, G.S. (1995), "Discontinuous Losses from Poverty, General Measures, and Optimal Transfer to the Poor", *Journal of Public Economics*, Vol.63. No. 2, pp.155-175.
20. Cowell, Frank. (1998), *Measurement of Inequality*, London, London School of Economics
21. Canto, O. Gradin, C. (2002). *Inequality, Poverty and Mobility: choosing Income or Consumption as Welfare, Indicators*, Universidad de Vigo.
22. Deaton, A. (1997). *The Analysis of Household Surveys. A Microeconomic Approach to Development Policy*. World Bank. The Johns Hopkins University Press, Baltimore and London
23. Fishliw A. (1995), "Inequality, poverty, and Growth: Where Do we stand? Annual World Bank Conference on Development Economics, 25 – 39.
24. Foster, J. E. Greer, J. and Thorbeck, E. (1984), "A Class of Decomposable Poverty Measure", *Econometrica*, Vol.52, pp. 761-766.

25. Greer, J. and Thorbecke, E. (1986), "A Methodology for Mearsuring Food Poverty Applied to Kenya", *Journal of Development Economics*, Vol. 24, pp. 59-74.
26. Gardes, F. Canelas, C. (2010). *Poverty, Inequality, and Income Mobility: The Case of Ecuador. A Pseudo-Panel Approach. Master Models and Methods for Quantitative Economics*. Paris School of Economics.
27. Judge, G. W. Griffiths, R. Hill, H. Lukkepohl, and T. Lee, (1985); "The Theory and Practice of Econometrics, second edition, New York, John Wiley and Sons, Inc.
28. Pajooyan, J. (1994), "Establishing the Poverty Line", *Iranian Economic Review*, No1.
29. Pollak, R.A. and Wales, T.J. (1969), "Estimation of Linear Expenditure System", *Econometrica*, Vol. 37, No. 4.
30. Ravallion, M. (1996), "Issues in Measuring and Modelling Poverty", *The Economic Journal*, Vol. 106, pp. 1328-1343.
31. Sen, A. (1976), "Poverty: An Ordinal Approach to Measurement", *Econometrica*, Vol. 44, No.2, March.
32. Assadzadeh, Ahmad and Satya Paul (2001), "Poverty, Growth and Redistribution, a Case Study of Iran". UNU, WIDER.
33. Atkinson, Anthony (1987), "On the Measurement of Poverty", *Econometrica*, 55.
34. Chen, Shaohua and Martin Ravallion (2007), *Absolute Poverty Measures for the Developing World (1981-2004)*, World Bank Policy Research Working Paper 4211.
35. Dawood Jan, Philip R. Eberle, Abbasullah Jan, Ghaffar Ali and Munir Khan (2009), *Absolute Poverty in Pakistan: Where are the Poor Concentrated?* *Sarhad J. Agric.* Vol.25.
36. Ravallion, M (2002), *Short Communication on the Urbanization of poverty*, *Journal of Development Economics*, 68.
37. Sen, Amartya K. (1981), *Poverty and Famines. An Essay on Entitlement and Deprivation*. Clarendon Press; Oxford, U.K.
38. Srivasan, T. N (2000), *Poverty and Undernutrition in South Asia*, *Food Policy*, 25.

-
39. Townsend, Peter(1985), "A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen", Oxford Economic Papers.

پیوست‌ها

جدول ۱- سبد غذایی برای تعیین خط فقر، ماهیانه یک فرد بزرگسال

مواد غذایی	مقدار سبد غذایی ماهیانه	کالری دریافتی روزانه
نان (شامل انواع نان سنتی)	۸ کیلوگرم	۷۲۰
برنج خارجی درجه دو	۳ کیلوگرم	۲۴۰
ماکارونی	۰.۷ کیلوگرم	۲۰
سیبزمینی	۱.۵ کیلوگرم	۴۰
عدس	۰.۶ کیلوگرم	۴۰
شیر کیسه‌ای پاستوریزه	۷ کیسه‌ی یک لیتری	۱۱۵
ماست	۳ کیلوگرم	۵۰
گوشت قرمز	۲.۱ کیلوگرم	۶۵
گوشت سفید	۵.۱ کیلوگرم	۱۰۰
تخم مرغ	۱۰ عدد	۳۰
پنیر	۰.۴۵ کیلوگرم	۲۰
میوه (سیب، پرتقال، انگور)	۶۰ واحد (معادل ۶.۳۶ کیلوگرم)	۱۲۰
سبزی‌های برگ سبز	۶۰ واحد (معادل ۶.۰۷۲ کیلوگرم)	۵۰
دیگر سبزی‌ها	۶۰ واحد (معادل ۶.۴۳۷ کیلوگرم)	۵۰
روغن مایع	۹۰۰ سی‌سی	۲۹۰
شکر	۱ کیلوگرم	۲۳۰
جمع		۲۰۸۰

مأخذ: دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت ۱۳۸۴

جدول ۲- اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص سرشمار در مناطق روستایی ایران ۱۳۹۳-۱۳۶۳

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
مناطق روستایی	۰/۴۸	۰/۵۴	۰/۶۲	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۶۰	۰/۳۸	۰/۵۳
سال	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
مناطق روستایی	۰/۳۸	۰/۴۰	۰/۴۹	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۶

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
مناطق روستایی	۰/۵۲	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۴	۰/۴۱	۰/۴۰
سال	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲
مناطق روستایی	۰/۳۵	۰/۳۸	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۳۵	۰/۴۰	۰/۴۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص شکاف فقر در مناطق روستایی ایران ۱۳۹۳-۱۳۶۳

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
مناطق روستایی	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۱۳	۰/۲۱
سال	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
مناطق روستایی	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۱

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
مناطق روستایی	۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۱۴
سال	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲
مناطق روستایی	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۱۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص مجذور شکاف فقر (FGT) در مناطق روستایی ایران ۱۳۹۳-۱۳۶۳

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
مناطق روستایی	۰/۴۱۳۰۷۲	۰/۴۰۷۱۷۲	۰/۴۴۴۸۹۲	۰/۳۹۸۲۰۸	۰/۳۹۱۰۰۴	۰/۳۹۸۲۱۷
سال	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸
مناطق روستایی	۰/۴۱۵۹۳۸	۰/۴۲۳۴۸۷	۰/۴۰۷۶۵	۰/۴۱۲۷۹۶	۰/۴۲۵۸۱۱	۰/۴۱۳۱۹۷
سال	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
مناطق روستایی	0.399646	0.397376	0.408641	0.396323	0.392824	0.400886
۹۳						
۰/۳۸۰۵۶۵						

سال	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
مناطق روستایی	۰/۴۲۵۸۷۶	۰/۴۲۸۷۹۲	۰/۴۱۵۹۸	۰/۴۱۴۱۱۹
سال	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲
مناطق روستایی	۰/۴۱۲۳۰۸	۰/۴۰۰۶۲۸	۰/۳۹۴۳۹۵	۰/۳۸۳۸۱۹
سال	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲
مناطق روستایی	۰/۳۹۰۷۹۵	۰/۳۵۱۲۹۱	۰/۳۵۰۵۸۵	۰/۳۸۲۰۲۹

جدول ۵- اندازه‌گیری شاخص جینی در مناطق روستایی ایران ۱۳۹۳-۱۳۶۳

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
مناطق روستایی	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۰۶	۰/۱۱
سال	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
مناطق روستایی	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۴

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
مناطق روستایی	۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۷
سال	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲
مناطق روستایی	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۵

